



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

موضوع:

پایه چندمعنایی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبائی

استاد راهنما

دکتر سهیلا پیروزفر

استاد مشاور

دکتر صاحبعلی اکبری

نگارنده

فاطمه حسن زاده نظرآبادی

زمستان ۱۳۹۱

اظهار نامه

اینجانب فاطمه حسن زاده دانشجوی دوره دکتری/کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد نویسنده رساله/پایان نامه پدیده چندمعنایی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی تحت راهنمایی سرکار خانم دکتر پیروزفر متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این رساله/پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در رساله/پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد » و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی رساله/پایان نامه تأثیر گذار بوده اند در مقالات مستخرج از رساله/پایان نامه رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این رساله/پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (یا بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این رساله/پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

- کلیه حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.
- استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در رساله/پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی‌باشد.

تقدیم به ساحت مقدس

ملیک دنیا و دین، فخر سلاطین، مصداق علم مطلق و شاهد غیب محقق،

آن نور لاهوتی و انسان جبروتی و اصل ملکوتی، درّ دریای فتوت و تقوا،

علم هدایت، اقیانوس مهر و محبت، شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان،

علی عالی اعلی، امام ثامن ضامن، علی بن موسی الرضا (ع)

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس ایزد منان را سزااست که توفیق را رفیق راه نمود و سامان را پایان کار ساخت.

با احترام و فروتنی، از زحمات و توجهات استاد محترم راهنما: سرکار خانم دکتر سهیلا پیروزفر، که پیشنهادات و راهنماییهایشان در تدوین و تکمیل این پایان نامه راهگشا بود، سپاسگزارم. و نیز از راهنماییهای استاد محترم مشاور: جناب آقای دکتر صاحبعلی اکبری، تشکر می نمایم.

همچنین از زحمات پدر و مادرم که تمام مراحل تحصیلاتم را مدیون تشویق ها و زحمات بی شائبه آنان بوده ام، نهایت سپاس را دارم.



بسمه تعالی
 مشخصات رساله / پایان نامه تحصیلی دانشجویان
 دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه: پدیده چندمعنایی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی

نام نویسنده: فاطمه حسن زاده

نام استاد راهنما: دکتر سهیلا پیروزفر

نام استاد مشاور: دکتر صاحبعلی اکبری

دانشکده: الهیات و معارف اسلامی	گروه: علوم قرآن و حدیث	رشته تحصیلی: علوم قرآن و حدیث
تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۴/۴	تاریخ دفاع: ۱۳۹۱/۱۰/۲۶	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	تعداد صفحات: ۱۶۲	

چکیده پایان نامه:

فهم صحیح قرآن و تفسیر آیات آن به فهم واژگان قرآن به خصوص الفاظ چندمعنا وابسته است. با توجه به شناخت عمیق علامه طباطبایی نسبت به واژه های قرآنی، بررسی نحوه برخورد علامه با اینگونه واژه ها، روشنگر جلوه هایی از اعجاز معنوی و لفظی قرآن خواهد بود.

علامه روایات ذو وجوه و ذو بطون بودن قرآن کریم را دال بر چندمعنایی الفاظ قرآن نمی داند و درلبه واژگان وجوه و نظایر بر آن است که چند معنا نیستند بلکه جهتی جامع و واحد بین آن معانی وجود دارد که در شرایط گوناگون، جهت جامع در آنان لحاظ و دارای مصادیق گوناگون می باشند.

علامه چندمعنایی را پذیرفته و معانی متعدد برای لفظ واحد را بلامانع می داند؛ اما استعم ال لفظ چند معنا را در بیش از یک معنا، جایز نمی داند. و تقریباً شیوه ای محتاطانه در قبال معانی مختلف یک واژه، قبول یا رد و یا ترجیح آن ها اتخاذ نموده و در ترجیح یک معنای واژه بر سایر معانی مواردی از قبیل: بهره گیری از قاعده سیاق، قواعد صرفی و ... را مطرح می نماید.

این پایان نامه با ارائه نمونه های مختلفی از واژه های چندمعنا، روش های اتخاذ یک معنا از دیدگاه علامه را نشان می دهد.

امضای استاد راهنما:	کلید واژه:
	۱. علامه طباطبایی
	۲. چندمعنایی
	۳. لفظ مشترک
	۴. وجوه و نظایر
تاریخ:	



بسمه تعالی

Graduate Studies Thesis\Dissertation Information

Ferdowsi University of Mashhad

Title of Thesis\Dissertation: The Polysemy Phenomenon In Quran Kareem Fram Allame Tabatabai's Viewpoint

Author: Fateme Hassanzade Nazarabadi

Supervisor: Dr. Sohila Pirouzfard

Advisor : Dr. Sahebali Akbari

Faculty:theology and
Islamic Studies

Department:Quran and Hadith
studies

Specialization: Quran and Hadith studies

Approval Date:1390/4/4

Defence Date:1391/10/26

M.A.



Ph.D.



Number of Pages:162

Abstract:

True understanding of Quran and its interpretation depends on the understanding of Quran words and particularly obscure phrases. On the basis of Allame Tabatabai's knowledge about Quranic phrases, the explanation of his approach towards these words represents literal and semantic miracle of Quran.

He asserts that polesemy of Quran cannot signify obscure words of Quran, rather there is uniformity among them which has various senses.

Tabatabai recognizes polysemy and various meanings for single phrases, but dose not accept absure phrases simultaneously.

He adopts cautionary approach towards various meaning of single word, it's preference on other one or its denying, and in this respect emphasizes on factors such as: the rule of style, grammatical rules, and etc.

In this dissertation different samples of polysemy words and the methods of adopting single meaning from Tabatabai 's viewpoint are presented.

Signature of Supervisor:

Key Words:

Date:

- 1.Allame Tabatabai
2. polysemy
- 3.Common phrase
- 4.Viewpoints and samples

فهرست مطالب

مقدمه

- ۱) تعریف مسأله و تبیین موضوع..... ۱
- ۲) پیشینه ی پژوهش..... ۲
- ۳) سؤال های اساسی پژوهش..... ۲
- ۴) فرضیه های پژوهش..... ۳
- ۵) ضرورت پژوهش..... ۳
- ۶) روش پژوهش..... ۴
- ۷) ساختار پژوهش..... ۴

فصل اول: کلیات

- ۱-۱) پدیده چندمعنایی و پیشینه آن..... ۶
- ۱-۱-۱) مفهوم شناسی چندمعنایی..... ۶
- ۱-۱-۱-۱) چندمعنایی نزد لغت شناسان..... ۷
- ۱-۱-۱-۲) چندمعنایی نزد اصولیین..... ۸
- ۱-۱-۱-۳) چندمعنایی نزد دانشمندان علوم قرآنی..... ۹
- ۱-۱-۱-۴) چندمعنایی نزد زبان شناسان معاصر..... ۱۱
- ۲-۱) پیشینه بحث چندمعنایی..... ۱۲
- ۱-۲-۱) تعریف و تبیین چندمعنایی و استدلال بر وقوع و یا انکار آن..... ۱۲
- ۱-۱-۲-۱) چندمعنایی در نگاه لغویین و قرآن پژوهان..... ۱۲

- ۲۱-۲-۱-۲) چندمعنایی در نگاه اصولیین..... ۲۱
- ۲۴-۳-۱-۲) چندمعنایی در نگاه زبان شناسان..... ۲۴
- ۲۹-۲-۱) نگارش آثار درباره چندمعنایی..... ۲۹
- ۲۹-۱-۲-۲) آثار و نوشته های الفاظ چندمعنا در قرآن کریم..... ۲۹
- ۳۳-۲-۲-۱) آثار و نوشته های الفاظ چندمعنا در حدیث..... ۳۳
- ۳۳-۳-۲-۲) آثار و نوشته های الفاظ چندمعنا در زبان عربی..... ۳۳
- ۳۶-۳-۱) عوامل ظهور چند معنایی..... ۳۶
- ۳۶-۱-۳-۱) اسباب داخلی..... ۳۶
- ۳۷-۱-۱-۳-۱) تغییر کلمه در یک لهجه..... ۳۷
- ۳۷-۲-۱-۳-۱) کاربرد مجازی..... ۳۷
- ۳۸-الف-استعاره..... ۳۸
- ۴۰-ب-مجاز مرسل..... ۴۰
- ۴۰-۳-۱-۳-۱) سوء فهم معنای..... ۴۰
- ۴۱-۴-۱-۳-۱) نقل..... ۴۱
- ۴۲-۵-۱-۳-۱) تولید و زایش معنایی..... ۴۲
- ۴۴-۶-۱-۳-۱) تطور زبانی..... ۴۴
- ۴۶-۲-۳-۱) اسباب بیرونی..... ۴۶
- ۴۶-۱-۲-۳-۱) تداخل لهجه ها..... ۴۶
- ۴۷-۲-۲-۳-۱) حدوث اشتراک از سوی واضع واحد..... ۴۷
- ۴۷-۳-۲-۳-۱) وام گیری واژگان از سایر زبان ها..... ۴۷

فصل دوم: آراء اندیشمندان درباره چندمعنایی

- مدخل..... ۵۰
- ۱-۲) ضرورت وجود اشتراک لفظی..... ۵۱
- ۲-۲) امتناع وجودی اشتراک لفظی..... ۵۳
- ۳-۲) امکان وجود اشتراک لفظی..... ۵۸
- ۴-۲) اشتراک لفظی در قرآن کریم..... ۵۹
- ۵-۲) استعمال لفظ مشترک در بیش از یک معنا..... ۶۴
- ۱-۵-۲) استعمال نشدن لفظ در بیش از یک معنا از نظر لغوی..... ۶۶
- ۲-۵-۲) عدم امکان استعمال لفظ در بیش از یک معنا از نظر عقلی..... ۶۸
- ۳-۵-۲) امکان استعمال لفظ در بیش از یک معنا از نظر لغوی و عقلی..... ۷۴
- ۶-۲) استعمال لفظ در بیش از یک معنا در قرآن کریم..... ۷۵
- ۱-۶-۲) دلایل مخالفان استعمال لفظ در بیش از یک معنا در قرآن کریم..... ۷۵
- ۱-۱-۶-۲) استعمال نشدن لفظ در بیش از یک معنا در لغت و قرآن کریم..... ۷۶
- ۲-۱-۶-۲) استعمال لفظ در بیش از یک معنا در لغت و عدم آن در قرآن کریم..... ۷۹
- ۲-۶-۲) دلایل موافقان استعمال لفظ در بیش از یک معنا در قرآن کریم..... ۸۳
- ۱-۲-۶-۲) وقوع لفظ چندمعنا در کلام بلیغان..... ۸۳
- ۲-۲-۶-۲) روایات ائمه معصومین..... ۸۴

فصل سوم: علامه طباطبایی و چندمعنایی

- ۱-۳) بخش اول: آشنایی با علامه طباطبایی و تفسیر ایشان..... ۸۸
- آشنایی با علامه..... ۸۸

آثار علمی.....	۸۸
معرفی تفسیر المیزان.....	۸۹
منابع تفسیر المیزان.....	۸۹
ویژگی های تفسیر المیزان.....	۹۰
۲-۳) بخش دوم: دیدگاه علامه درباره روایات و کلمات قرآنی دال بر وجوه و نظایر	
روایات دال بر چندمعنایی.....	۹۱
روایات دال بر ذو وجوه بودن قرآن کریم.....	۹۱
معنای تفسیر به رأی.....	۹۲
تفسیر به رأی موجب ناهماهنگی و تنافی آیات قرآن.....	۹۴
دور شدن از علم اوصیاء رسول الله (ص) عامل تفسیر به رأی.....	۹۵
روایات دال بر ذوبتون بودن قرآن کریم.....	۹۷
معنای بطن.....	۹۷
معنای بطن در احادیث.....	۱۰۰
روایات دال بر نزول قرآن بر هفت حرف.....	۱۰۱
واژگان وجوه و نظایر از منظر علامه.....	۱۰۳
واژه فتنه.....	۱۰۳
واژه قضاء.....	۱۱۰
واژه روح.....	۱۱۶
بخش سوم: دیدگاه و مبانی علامه در رابطه با چندمعنایی.....	۱۲۱
نظر علامه درباره چندمعنایی.....	۱۲۱
واژه سقایه.....	۱۲۱

- ۱۲۴.....واژه نجم
- ۱۲۶.....واژه جناح
- ۱۳۱.....عوامل پیدایش معانی مختلف (۲-۳-۳)
- ۱۳۱.....مجاز (۱-۲-۳-۳)
- ۱۳۲.....تعمیم و یا تخصیص معنا و سببیت (۱-۱-۲-۳-۳)
- ۱۳۷.....اشتراک معنوی (۲-۲-۳-۳)
- ۱۳۸.....اختلاف سلیقه اقوام و قبایل (۳-۲-۳-۳)
- ۱۴۰.....تطور زبان (۴-۲-۳-۳)
- ۱۴۲.....رویکرد علامه در رابطه با واژگان چندمعنا (۳-۳-۳)
- ۱۴۳.....قبول یک معنا با بیان دلیل (۱-۳-۳-۳)
- ۱۴۳.....مطابقت با قواعد صرفی (۱-۱-۳-۳-۳)
- ۱۴۴.....سازگاری با سیاق آیه (۲-۱-۳-۳-۳)
- ۱۴۷.....جمع بین معانی (۳-۱-۳-۳-۳)
- ۱۴۸.....استفاده از سایر آیات دارای همین کلمه (۴-۱-۳-۳-۳)
- ۱۵۰.....ذکر معانی مختلف و دلیل بر صحت هر یک (۲-۳-۳-۳)
- ۱۵۴.....توجه به معانی مختلف بدون نقد و نظر (۳-۳-۳-۳)
- ۱۵۶.....نتایج و دستاوردها
- ۱۵۸.....کتابنامه

فصل اول: کلیات

۱-۱) پدیده چندمعنایی و پیشینه آن

در هر زبان قاعده کلی بر این اساس استوار است که برای رسیدن به هدف تفهیم و تفاهم، هر لفظ فقط برای یک معنا وضع شود؛ اما گاه شرایط و موقعیت هایی در زبان بوجود می آید که منجر به دلالت یک لفظ بر معانی متعدد می گردد. دانشمندان به واژه های چند معنا عنوان مشترک لفظی و بر معانی متضاد از این واژه ها نام اضداد یا «تضاد» نهاده اند.

زبان شناسان جدید نیز از مشترک لفظی به «چندمعنایی» تعبیر نموده اند. در این بحث تلاش شده است تا پدیده چند معنایی (مشترک لفظی) را ابتدا از دیدگاه لغت شناسان، دانشمندان علم اصول و علوم قرآنی و سپس از دیدگاه زبان شناسان معاصر مورد بررسی قرار گیرد؛ و به بیان پیشینه و عوامل پیدایش این پدیده اشاره شود.

۱-۱-۱) مفهوم شناسی چندمعنایی

واژه «معنا» به مفهوم قصد و مراد است^۱ و ریشه آن به نظر برخی «عنی»^۲ و به نظر برخی دیگر «عنو»^۳ است. «معنا» هرگاه به سخن اضافه شود، دو کاربرد دارد:

الف. مفهوم و مدلول سخن، چه گوینده آن را اراده کرده باشد و چه اراده نکرده باشد^۴.

ب. مراد و مقصود از سخن. در حقیقت، کاربرد دوم معنای حقیقی «معنا» است؛ زیرا ریشه این واژه به معنای قصد کردن است و «معنای» هر سخن مقصود از آن است^۵. بنابراین، معنا مفهومی است که از سخن قصد می شود^۶. و این همان دلالت تصدیقی در اصول است که عبارت است از دلالت لفظ بر معنایی که مراد

۱. ر.ک: ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱۶، ص ۱۰۶ و الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبد الله بن بهادر،

البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۴۶

۲. ر.ک: طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، ج ۱، ص ۳۰۸

۳. ر.ک: ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱۵، ص ۱۰۱

۴. معنی الکلام ما يدل عليه اللفظ «مرتضى الزبيدي، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۱۰، ص

۵. ر.ک: معنی کل کلام و معناه و معنیته مقصده، ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۱۵، ص ۱۰۷

۶. ر.ک: شرتونی، سعید خوری، *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، ج ۲، ص ۸۴۲.

و مقصود متکلم است.^۷ اما در اصطلاح علم الیمان لغت، اصول، قرآن و زبان شناسان تعریف های گوناگون و نزدیک به هم از چندمعنایی بیان گردیده است.

۱-۱-۱) چندمعنایی نزد لغت شناسان

لغت شناسان پیشین عرب متوجه پدیده چندمعنایی شده بودند و از آن در لابه لای دیدگاه کلی خویش نسبت به واژگان، سخن گفته اند، از جمله در تقسیم بندی واژگان می نویسند: الفاظ در زبان عربی بر سه گونه اند:

الف: دو لفظ مختلف برای دو معنای گوناگون آورده می شود . مانند لفظ «رجل» برای مرد و لفظ «یوم» برای روز

ب: چند لفظ مختلف برای یک معنا به کار می رود. مانند لفظ «ذئب» و «سید» برای گرگ

ج: یک لفظ برای معانی مختلفی بیان می شود . مانند لفظ «امت» که به معنای مردی که به او اقتدا شود، قامت، جماعت و گروه می آید.^۸

نوع سوم همان چندمعنایی است که آن را مشترک لفظی نامیده اند. سیبویه در کتابش به

این پدیده اشاره کرده و می نویسد: ومنه اتفاق اللفظین و المعنی مختلف^۹. دو قرن بعد از سیبویه ابن فارس (ت ۳۹۵ه) همان تعریف سیبویه را تکرار می کند و می گوید: «و منه اتفاق اللفظ و اختلاف المعنی» وی در کتابش «الصاحبی» بابتی را به اشتراک اختصاص می دهد و در تعریف آن می نویسد: «معنای مشترک لفظی آن است که یک لفظ بر دو معنی یا بیشتر دلالت کند»^{۱۰}

تعریف های دیگری نیز برای مشترک لفظی ارا نه شده و در هر یک شرط هایی به تعریف اضافه شده است: از جمله بعضی گفته اند: باید تعدد وضع در یک قبیله صورت گرفته باشد^{۱۱}، و بعضی گفته اند: باید میان معانی مشترک علاقه و قدر جامعی نباشد و گرنه حقیقت و مجاز یا مشترک معنوی و یا منقول به شمار می رود و برخی گفته اند: نباید وضع هیچ یک از معانی لفظ مشترک بر دیگری تقدم زمانی داشته باشد و گرنه منقول

^۷ سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، ص ۱۳

^۸ ر.ک: سیوطی، جلال الدین، المزهر فی علوم اللغه و انواعها، ص ۱۵۰

^۹ ر.ک: سیبویه، ابی بشر، الکتاب، ج ۱، ص ۸

^{۱۰} ابن فارس، ابوالحسین احمد، الصاحبی فی فقه اللغه، ص ۴۵۶

^{۱۱} سیوطی، جلال الدین، المزهر فی علوم اللغه و انواعها، ص ۳۹۶ و ۴۰۱

تلقی می‌شود و بعضی نیز شرط کرده اند که باید لفظ مشترک در مواضع مختلف، حروف و حرکات واحدی داشته باشد و در یک زبان واقع شود.^{۱۲}

ملاحظه می‌شود با گذشت زمان، مفهوم مشترک لفظی با تغییراتی مواجه شده و دایره آن محدود گردیده است.

۱-۱-۱-۲) چندمعنایی نزد اصولیان

اما دانشمندان علم اصول نیز چندمعنایی را در ذیل «مباحث الفاظ» با عنوان ترادف و اشتراک در لغت بحث می‌کنند؛ در اصول فقه اشتراک بر دو قسم تعریف شده است: مشترک لفظی و مشترک معنوی. مشترک لفظی: هرگاه یک لفظ در زبان واحد، دارای معانی متعدد باشد که برای همه این معانی، به صورت مساوی وضع شده باشد بدون اینکه در بیان لفظ، بعضی از این معانی بر بعضی دیگر، در ذهن سبقت گیرند، به این الفاظ مشترک لفظی و نسبت بین این معانی و لفظ را اشتراک اطلاق می‌کنند. مشترک معنوی: به لفظ واحدی که در مقابل معنای واحدی وضع شده ولی آن معنا دارای افراد و مصادیق زیادی باشد، گفته می‌شود.

مشترک لفظی نیز دو قسم است: مشترکی که بین معانی آن رابطه تضاد وجود دارد مثل کلمه «قرء» که هم به معنای حیض و هم به معنای پاکی است؛ و مشترکی که میان معانی آن رابطه تباین برقرار است. مانند کلمه «عین» که به معنای نابغه، چشمه، چشم، طلا و... می‌باشد.

از تعریف مشترک لفظی بدست می‌آید که اولاً: معانی مجازی از باب تعدد معنا نیستند زیرا استعمال لفظ در معنای مجازی، غیرحقیقی و با قرینه است نه به دلیل وضع. ثانیاً: تعدد معنا برای لفظ واحد در لغات و زبان های مختلف لفظ مشترک محسوب نمی‌شود. مانند کلمه «شهر» که در عربی به معنای «ایام معدوده» - ماه - و در زبان فارسی به معنای «مدینه» است.^{۱۳}

۱-۱-۱-۳) چندمعنایی نزد دانشمندان علوم قرآنی

دانشمندان قرآن پژوه از چندمعنایی در قرآن به «وجوه و نظایر» تعبیر کرده اند. «وجوه و نظایر» بدین معناست که واژه واحدی در چند جای قرآن به یک لفظ و یک حرکت آمده است ولی در هر جا معنایی غیر از

^{۱۲} المنجد، نورالدین، الاشتراک اللفظی فی القرآن الکریم، ص ۳۷

^{۱۳} ر.ک: مجاهد، محمد، مفاتیح الاصول، ص ۲۳ و صدر، محمدباقر، دروس فی علم الاصول، ج ۲، ص ۶۱ و حیدری، علی

نقی، اصول الاستنباط، ص ۶۷

معنای دیگر دارد. اگر لفظی در یک جا و همان لفظ در جای دیگر آمده باشد، «نظایر» گویند و تفسیر هر واژه به معنایی غیر از معنای دیگر «وجوه» نام دارد^{۱۴}.

بنابراین نظایر را بر واژگان و وجوه را بر معانی اطلاق می کنند؛ هرچند سیوطی بر این خرده گرفته که «اگر چنین باشد، باید در الفاظ مشترک جمع می گردید و حال آنکه در این کتاب ها در بسیاری جاها لفظی که معنایش واحد است ذکر می شود»^{۱۵}.

لذا زرکشی و سیوطی دو قرآن پژوه پرآوازه در تعریف «وجوه» گفته اند: «فالوجوه للفظ المشترك الذی يستعمل فی عده معان» «وجوه، لفظ مشترکی است که در چند معنا استعمال می شود.» و «نظایر» «کالالفاظ المتواطئه» «نظایر، همان الفاظ متواطی^{۱۷} است»^{۱۸}.

بعضی «وجوه و نظایر» را از معجزات قرآن برشمرده اند؛ یعنی یک واژه چنان در بافت های مستحکم و نفوذناپذیر قرآن جای گرفته است که با وجود همانندی در لفظ و حرکات، در هر

بافت زبانی معنایی غیر از معنای نخست دارد و به همین دلیل، وجوه و نظایر را یکی از شاخه های علم تفسیر می نامند^{۱۹}.

۱-۱-۱) چند معنایی نزد زبان شناسان معاصر

^{۱۴} حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، ج ۲، ص ۲۰۰۱

^{۱۵} سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۴۸۷

^{۱۶} سیوطی بعد از ملاحظه کتب وجوه و نظایر نتیجه می گیرد که در این کتب علاوه بر الفاظ مشترک، الفاظ مترادف نیز ذکر شده است.

^{۱۷} متواطی آن است که لفظ در مورد تمام مصادیقش بطور یکسان اطلاق شود. مانند لفظ انسان ر.ک به: طیب حسینی،

محمود، چند معنایی در قرآن کریم، ص ۱۰۱

^{۱۸} ر.ک: الزرکشی، بدوالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۲، نوع ۴ و سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم

القرآن، ج ۱، ص ۴۸۷

^{۱۹} ر.ک: الزرکشی، بدوالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۲، نوع ۴ و، عوا، سلوی محمد، ترجمه حسین سیدی،

بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن کریم، ص ۲

زبان شناسان نیز از چندمعنایی در بحث اشتراک به بحث می پردازند. چنانکه اشتراک را بر دو قسم می نمایند: ۱- چند معنایی^{۲۰} که نزدیک به مشترک لفظی در عربی است.

۲- تشابه^{۲۱} مجموعه ای از کلمات که تنها در صیغه یا شکل با یکدیگر مشترکند.

پالمر^{۲۲} درباره اصطلاح اول می گوید: ما در زبان تنها با واژه های مختلف که دارای معانی گوناگون هستند، سروکار نداریم بلکه با برخی واژه ها مواجه می شویم که به تنهایی از چند معنا برخوردارند. این مساله را «چندمعنایی» و چنین کلماتی را واژه های «چندمعنی» می نامیم. برای مثال فرهنگ های لغت واژه flight را به معانی «گذر از طریق هوا»، «قدرت پرواز»، «مسافرت هوایی»، «شلیک»، «انحراف» و «یک رشته پلکان» در نظر می گیرند^{۲۳}.

و اولمان^{۲۴} درباره اصطلاح دوم می نویسد: «کلمات متعددی که تنها در صیغه با یکدیگر متحدند»^{۲۵}.

از آنچه گذشت می توان گفت چندمعنایی عبارت است از لفظ واحدی که در مواضع مختلف و در یک زبان و یک زمان، اولاً: حروف و حرکات واحدی داشته باشد و ثانياً: به معانی مختلفی استعمال شود و اهل زبان هیچ علاقه یا قدر مشترکی میان معانی آن نیابند.

زیرا در صورتیکه الفاظ با ساختار و صیغه یکسان و اما حرکات متفاوت، معانی مختلف داشته باشند لفظ مشابه محسوب می شوند و چنانچه علاقه و ارتباطی بین معانی باشد مصداق حقیقت و مجاز و یا منقول می گردند.

۱-۲) پیشینه بحث چندمعنایی

بررسی و پژوهش دانشمندان در باب چندمعنایی به دو بخش تقسیم می شود:

۱ - تعریف و تبیین چندمعنایی و استدلال بر وقوع و یا انکار آن

۲ - نگارش آثاری که به گردآوری شواهد و نمونه های الفاظ چندمعنا می پردازد.

در ادامه به بررسی مختصر نوشته ها و آثار لغویین، قرآن پژوهان، اصولیین و زبان شناسان می پردازیم تا مشخص گردد که حد و مرز این دسته از مطالعات چه بوده و به چه نکاتی در این زمینه توجه شده است.

^{۲۰} Polysemy

^{۲۱} Homonymy

^{۲۲} Palmer.

^{۲۳} پالمر، فرانک رابرت، نگاهی تازه به معنی شناسی، ص ۱۱۵

^{۲۴} ullmann

^{۲۵} اولمان، ستیفن، دور الکلمه فی اللغه، ص ۱۱۲

۱-۲-۱) تعریف و تبیین چندمعنایی و استدلال بر وقوع و یا انکار آن

۱-۱-۲-۱) چندمعنایی در نگاه لغویین و قرآن پژوهان

چندمعنایی در میان قدما مفهوم عام و شاملی داشته است و مترادف با «وجوه و نظایر» به کار می‌رفته و هر چه را که متفق اللفظ و مختلف المعنی بوده، دربرمی گرفته است؛ اعم از مفرد و مرکب، موضوع و مستعمل، اصیل و دخیل، حقیقت و مجاز، و مشترک لفظی و معنوی. ملاحظه کتاب‌هایی که با عنوان «الوجوه و النظائر» یا «ما اتفقت الفاظه و اختلفت معانیه» نوشته‌اند یا تعاریفی که از مشترک به دست داده‌اند، مؤید گسترده‌تری مفهوم چندمعنایی در میان پیشینیان است.

مقصود از «وجوه و نظایر» یک چیز است و در آن از الفاظی بحث می‌شود که به لحاظ لفظ نظائر یکدیگرند؛ اما از نظر معنا وجوه گوناگونی دارند؛ منتها برخی مثل زرکشی میان آن دو تمایز قائل شده و گفته‌اند: وجوه لفظ مشترک است که در چند معنا به کار می‌رود، مانند «امت» و نظایر الفاظ متواطی‌اند.^{۲۶} مراد از لفظ متواطی مشترک معنوی است. ناگفته نماند که برخی مقصود از متواطی را در سخن زرکشی مترادف دانسته‌اند؛ اما این درست به نظر نمی‌رسد؛ چون در کتاب‌های وجوه و نظائر از الفاظ مترادف بحث به میان نمی‌آید. در این آثار هر لفظی که در مواضع مختلف وجوه مختلفی از معنا داشته باشد، شرح شده است؛ اعم از آن که به اصطلاح متأخرین مشترک لفظی به شمار آید یا مشترک معنوی یا حقیقت و مجاز.^{۲۷}

در میان سخنان قدما اصطلاح «چندمعنایی» به چشم نمی‌خورد و تعبیر آنان از چندمعنایی همان وجوه و نظائر یا متفق اللفظ و مختلف المعنی بوده است. و بعدها از تعبیر «اشترک لفظی» استفاده نموده‌اند. به نظر می‌رسد سیبویه اولین کسی است که مشترک لفظی را در تقسیمات کلام ذکر نموده، و به وجود آن در زبان تأکید کرده است.^{۲۸} ابن فارس نیز تحت عنوان «باب اجناس الکلام فی الانفاق و الافتراق»، وجود مشترک لفظی را می‌پذیرد. در این باره می‌گوید: «و از آن جمله است اتفاق لفظ و اختلاف معنی، مثل: عین الماء، عین المال، عین الرکبة و عین المیزان...». وی در کتابش بابی را به پدیده مشترک لفظی اختصاص داده و آن را چنین تعریف کرده است: «معنای مشترک لفظی آن است که یک لفظ بر دو معنی یا بیشتر دلالت کند». و به «فَلْيُلْقِهِ» (می‌افکند، باید بیافکند) در «فَأَقْذِفْ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ» (طه / ۳۹) و «وَحِيداً» (یگانه در آفرینندگی، یگانه در مال و فرزند) در «ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً» (مذثر / ۱۱) و جز آنها مثال زده است.^{۲۹}

^{۲۶}. ر.ک: الزرکشی، جوادالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۰۲، نوع ۴

^{۲۷}. ر.ک: عوا، سلوی محمد، بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن کریم، ص ۵۳

^{۲۸}. سیبویه، ابو بشر، الکتاب، ج ۱، ص ۷

^{۲۹}. ابن فارس، ابوالحسین احمد، الصحاحی، ص ۴۵۶

ابن جنی در «الخصائص» پدیده اشتراک را در مورد حروف و اسماء و افعال به طور یکسان ثابت می‌کند. و در این خصوص می‌گوید: «من و لا و ان و نظایر آنها فقط بر معنای واحدی دلالت نمی‌کنند. چون آنها حرفی هستند که مشترک واقع شده‌اند، همچنانکه اسماء مشترک واقع می‌شوند مثل (الصدی) که هم به معنای انعکاس صوت و هم به معنای بدن میت (جسد) است. و نظایر آن که دارای لفظ واحد و معانی متعددی هستند و هم‌چنانکه افعال نیز مشترک واقع می‌شوند مثل: «وجدت فی الحزن» «وجدت فی الغضب»، «وجدت فی الغنی»، «وجدت فی الظالة» (فعل «وجد» در معانی یافتن در غم، خشم، شادی و گمراهی می‌آید) و نظایر آن که در هر عبارت معانی دارد. همچنانکه این پدیده در حروف نیز واقع می‌شوند.^{۳۰}

پیشینیان نظر به تلقی گسترده‌ای که از مفهوم اشتراک لفظی داشتند، اغلب لغات را مشترک می‌شمردند. تمامی حروف و صیغه‌های اشتقاقی و نقش‌های نحوی را مشترک خوانده‌اند و برای آنها در کتاب‌های نحو و بلاغت و اصول فقه معانی مختلفی یاد کرده‌اند.^{۳۱} برای پاره‌ای از لغات ده‌ها معنا ذکر کرده‌اند که «حوب» (۳۰ معنا) و «عجوز» (۷۷ معنا) از آن جمله است.^{۳۲}

به این ترتیب دانشمندان پیشین به گونه‌ای افراطی بسیاری از الفاظ قرآن را مشترک و ذو وجوه خواندند و به تعدد و تکثر معانی در الفاظ قرآن قائل شدند و البته این نظر تاکنون کمابیش هوادارانی دارد. در مقابل، از حدود قرن سوم معدودی از علمای اسلام از منظری عقلی - عرفانی به الفاظ مشترک قرآن نگریستند و این پدیده را انکار کردند و وجود آن شواهد و مثال‌ها را تصادفی دانستند؛ زیرا معتقد بودند که مراحل تحول و انتقال معنی از طریق مجاز و کنایه در این مثالها به فراموشی سپرده شده است، اگر بتوان این مراحل را یکی یکی دنبال و بررسی کرد در این صورت می‌توان بر معنای اصلی و حقیقی آن الفاظ دست یافت به عبارت دیگر آشکار می‌شود که این الفاظ دچار تحول و تطور شده‌اند و در هر محیطی بیانگر تعبیر معینی هستند.^{۳۳}

در رأس مخالفان اشتراک لفظی می‌توان به ابن درستویه اشاره کرد. وی وجود اشتراک لفظی را نیز همانند ترادف منکر شده است. او نمی‌پذیرد که مثلا واژه (وجد) دارای معانی مختلفی چون: (یافتن - خشم - سرور) باشد. اینها معانی هستند که لغویان برای واژه (وجد) آورده‌اند. او در شرح «الفصیح» می‌گوید: «کسانی که در معانی واژه‌ها تامل و در حقایق آنها تحقیق نمی‌کنند، گمان کرده‌اند که واژه «وجد» معانی مختلفی دارد، در صورتی که همه این معانی، در واقع بیانگر یک مفهوم هستند و آن بدست آوردن چیزی است که خواه خیر

^{۳۰} ابن جنی، ابی الفتح عثمان، الخصائص، ج ۳، ص ۱۱۳

^{۳۱} سیوطی، جلال الدین، المزهر فی علوم اللغه و انواعها، ص ۱۵۰

^{۳۲} القاموس المحيط و تاج العروس، ذیل مادهی حوب و عجوز

^{۳۳} صالح، صبحی، دراسات فی فقه اللغه، ص ۳۰۳

باشد، خواه شر.» و باز می گوید: «هرگاه ساختمان و حروف دو کلمه واحد باشد اما دو معنای مختلف داشته باشد، به ناچار باید آن دو معنا را به یک معنای مشترک ارجاع داد تا آن لفظ به لحاظ ظاهر و معنا متحد گردد.»

دلیل انکار مشترک لفظی نزد ابن درستویه آن است که به باور او زبان برای آسان کردن معنا وضع شده است، اما اشتراک با این هدف و غرض منافات دارد. وی می گوید: «اگر وضع یک لفظ برای دو معنای مختلف جایز باشد یا یکی از دو معنا ضد دیگری باشد. این مساله نه تنها موجب وضوح معنا نمی شود بلکه موجب ابهام و پوشیدگی آن می شود. با این وجود موارد نادری از این گونه الفاظ یافت می شود که آن هم دلایلی دارد، یا این دو لفظ همانند از دو زبان مختلف وارد شده است و یا به سبب حذف و اختصاری که در کلام واقع شده دو لفظ با یکدیگر مشابه شده اند. و چون مورد حذف بر شنونده پوشیده مانده، در فهم معنای اصلی آنها دچار اشتباه شده است.»^{۳۴}

ابراهیم انیس این موضع ابن درستویه را مورد ستایش قرار می دهد و می گوید: «ابن درستویه هنگامی که بسیاری از الفاظی را که علماء جزء مشترک لفظی به شمار آورده اند انکار می کند و آنها را مجاز می داند، به راه صواب رفته است. به عنوان مثال واژه «هلال» هنگامی که به معنای «ماه آسمان» و «قالب ماهیگیری» که شکل آن شبیه هلال است و به معنای «ناخن گرفته شده» که باز هم به شکل هلال است. و به معنای «نعل اسب» که آن نیز شبیه هلال است، به کار می رود صحیح نیست که در این صورت «هلال» جزء مشترک لفظی به حساب آید. چون در همه اینها معنای واحدی که همان مشابه بودن با هلال است، وجود دارد. و در همه این کاربردها مجاز بکار رفته است.»^{۳۵}

از دیگر کسانی که در تأیید نظر ابن درستویه پدیده اشتراک لفظی را انکار نموده اند، ابو هلال عسکری در کتاب «الفروق اللغویه» است. وی نیز دلالت لفظ واحد را بر دو معنای مختلف انکار می کند و وجود آن را باعث سردرگمی و ابهام مخاطب می داند که به اعتقاد وی این امر با حکمت وضع زبان منافات دارد. در واقع این دو (ابن درستویه و ابو هلال عسکری) به توفیقی بودن زبان اعتقاد داشتند و در این خصوص به آیه «عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» استناد می کردند. این گروه معتقدند که چون واضع زبان، خداوند است. بنابراین چیزی را خلق نمی کند که دارای غموض و ابهام باشد، انکار آنها اساس دینی دارد نه زبانی.

اما نکته قابل توجه آن است که ابو هلال عسکری اگرچه بصورت نظری وجود اشتراک لفظی را منکر شده است، اما در عمل دیده می شود که وی در چندین موضع از کتاب «الفروق» با آوردن مثال هایی به این پدیده

^{۳۴} سیوطی، جلال الدین، المزهرة فی علوم اللغة و انواعها، صص ۱۵۸-۱۵۹

^{۳۵} عمر، احمد مختار، علم الدلالة، ص ۱۵۶